

فصلنامه پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025

Article Cod: W54772715

ISSN-E: 6452-2588

بررسی و تحلیل جهل به قانون در امور کیفری^۱

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۱ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۶)

دکتر حسین یاراحمدی^۲ مجتبی تقی زاده

چکیده

جهل به قانون در حقوق کیفری همواره در نقطه تلاقی دو ملاحظه بنیادین قرار دارد: از یک سو ضرورت اجرای مؤثر قانون و حفظ نظم عمومی که با اصل «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» پشتیبانی می شود، و از سوی دیگر اقتضائات عدالت کیفری و اصل شخصی بودن مسئولیت که می کوشد میان «ناتوانی واقعی از دسترسی به قانون» و «سهل انگاری در آگاهی یابی» تمایز بگذارد. حقوق کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ضمن حفظ قاعده کلی، در ماده ۱۵۵ دو استثنا را پذیرفته و بدین ترتیب رویکردی میانه میان نگاه سخت گیرانه کلاسیک و نگاه منعطف مبتنی بر تقصیر را برگزیده است. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی، مفاهیم جهل حکمی و جهل موضوعی را تفکیک می کند، مبانی فقهی و حقوقی قاعده را می کاود، معیارهای «امکان تحصیل علم عادتاً» و «عذر شرعی بودن جهل» را تحلیل می کند، آثار عملی آن را در سیاست جنایی و رویه قضایی توضیح می دهد، و در پایان راهکارهایی برای کاهش تعارض میان کارآمدی قانون و انصاف کیفری ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: جهل به قانون، جهل حکمی، مسئولیت کیفری، ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی،

خطای حقوقی، قاصر و مقصر

^۱ بر اساس نظر هیات داوران همایش های بنیاد علمی قانون یار، این مقاله به عنوان یکی از مقالات برگزیده و منتخب دهمین همایش بنیاد علمی قانون یار قرار گرفت. این رویداد علمی تحت عنوان (دهمین همایش ملی تحقیقات و یافته های نوین علمی در حوزه علوم انسانی و فرهنگی) در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ در استان اصفهان (دانشگاه آزاد واحد دهقان) برگزار گردید. این مقاله علاوه بر پذیرش در این همایش، به صورت رایگان در فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار مورد پذیرش و چاپ قرار گرفت.

^۲ نویسنده مسئول



مقدمه

در حقوق کیفری، قانون نه فقط ابزار تنظیم روابط اجتماعی بلکه معیار تشخیص جرم و تعیین ضمانت اجراست. اصل قانونی بودن جرم و مجازات اقتضا دارد که هیچ رفتاری جرم نباشد مگر آنکه قانون آن را جرم‌انگاری کرده باشد و هیچ مجازاتی اعمال نشود مگر بر اساس قانون. همین اصل، در نگاه نخست با یک پرسش ساده روبه‌رو می‌شود: اگر شهروند از وجود قانون یا از محتوای آن بی‌اطلاع باشد، آیا می‌توان او را مسئول دانست. پاسخ سنتی نظام‌های حقوقی غالباً منفی نیست، بلکه بر قاعده مشهور «جهل به قانون عذر نیست» تکیه می‌کند؛ قاعده‌ای که کارکرد اصلی آن جلوگیری از فروپاشی کارایی نظام کیفری است، زیرا اگر هر کس بتواند با ادعای ناآگاهی از قانون از مسئولیت بگریزد، امکان اعمال ضمانت اجرا و پیشگیری عمومی به شدت کاهش می‌یابد. با این حال، تحول حقوق کیفری از یک نظام صرفاً مبتنی بر نتیجه به نظامی که بر تقصیر و سرزنش‌پذیری تأکید دارد، سبب شد این قاعده مطلق تلقی نشود. عدالت کیفری جدید می‌پرسد آیا شهروند واقعاً امکان دسترسی به قانون و فهم آن را داشته است، آیا قانون به شکل قابل دسترس و قابل پیش‌بینی منتشر شده، و آیا نوع جرم به گونه‌ای است که انتظار آگاهی از حکم در آن معقول باشد. همین پرسش‌ها موجب شده در بسیاری از نظام‌ها، به صورت محدود و کنترل‌شده، استثناهایی برای «جهل غیرقابل اجتناب» یا «اشتباه موجه در قانون» پذیرفته شود. در حقوق کیفری ایران نیز قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضمن تثبیت چارچوب‌های کلی جرم‌انگاری در ماده ۲، در بخش «موانع مسئولیت کیفری» به جهل حکمی پرداخته و در ماده ۱۵۵ تصریح کرده است که جهل به حکم مانع مجازات نیست مگر در دو فرض استثنایی. متن ماده ۱۵۵ که بر امکان یا عدم امکان تحصیل علم و نیز عذر شرعی بودن جهل تکیه دارد، نشان می‌دهد قانونگذار کوشیده است هم از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری



کند و هم برای مواردی که سرزنش اخلاقی و حقوقی دشوار است، راه گریز منصفانه‌ای بگشاید. این مقاله بر آن است که این تعادل را از منظر نظری و عملی تحلیل کند و معیارهای روشن تری برای تشخیص حدود استثناها پیشنهاد دهد.

بخش اول: چارچوب مفهومی و مبانی نظری جهل به قانون

بند اول: مفهوم جهل به قانون و تمایز آن با جهل به موضوع

جهل به قانون به معنای ناآگاهی از حکم قانونی است؛ یعنی فرد نمی‌داند رفتار او از نظر حقوقی ممنوع یا واجد وصف کیفری است، یا در درک دامنه و شرایط ممنوعیت دچار خطا می‌شود. در مقابل، جهل به موضوع یا اشتباه موضوعی زمانی رخ می‌دهد که فرد حکم را می‌داند اما در تشخیص واقعیت خارجی یا عناصر مادی وضعیت دچار خطا است. تمایز میان این دو در حقوق کیفری بسیار مهم است، زیرا اشتباه موضوعی می‌تواند عنصر معنوی جرم را مخدوش کند و مانع تحقق عمد یا سوءنیت شود، در حالی که جهل حکمی معمولاً چنین اثری ندارد و تنها در موارد استثنایی می‌تواند به عنوان مانع مسئولیت یا عامل تخفیف مطرح شود. این تفکیک در تحلیل مسئولیت کیفری اهمیت دوگانه دارد. نخست از حیث سازه ذهنی مرتکب: کسی که می‌پندارد عمل او اصولاً ممنوع نیست، با کسی که می‌داند ممنوع است اما درباره واقعیت اشتباه می‌کند، در درجه سرزنش پذیری یکسان نیست. دوم از حیث سیاست جنایی: پذیرش گسترده جهل حکمی، انگیزه یادگیری قواعد را کاهش می‌دهد، اما پذیرش محدود و هدفمند آن می‌تواند به کارآمدی و مشروعیت نظام کمک کند؛ زیرا مردم نظامی را عادلانه می‌دانند که در موارد غیر منصفانه، انعطاف نشان دهد.



بند دوم: فلسفه قاعده جهل به قانون عذر نیست

قاعده عدم پذیرش جهل به قانون، بر چند مبنای عملی و نظری استوار است. مبنای نخست، قابلیت اداره جامعه است. قانون کیفری باید قابلیت اجرا داشته باشد و دستگاه عدالت کیفری نمی‌تواند در هر پرونده وارد سنجش گسترده ذهنی افراد درباره میزان آگاهی‌شان از قانون شود؛ زیرا چنین امری هم دشوار است و هم زمینه ادعاهای غیرقابل راستی‌آزمایی را فراهم می‌کند. مبنای دوم، حمایت از نظم عمومی و پیشگیری عمومی است. اگر شهروندان بدانند که ادعای ناآگاهی می‌تواند آنها را نجات دهد، انگیزه تبعیت کاهش می‌یابد. مبنای سوم، فرض انتشار قانون است؛ یعنی قانونگذار با انتشار رسمی مقررات، جامعه را مخاطب می‌گیرد و از منظر حقوقی فرض می‌شود همه امکان آگاهی دارند. با این حال، این مبانی محدودیت‌هایی دارد. انتشار رسمی لزوماً به معنای دسترسی واقعی و فهم‌پذیری نیست. افزون بر آن، پیچیدگی قوانین کیفری و پیوند آنها با مقررات اداری و تخصصی، عملاً دانستن همه احکام را برای عموم دشوار می‌کند. از این رو، بسیاری از نظام‌ها با حفظ قاعده کلی، استثناهایی برای مواردی پذیرفته‌اند که جهل نه ناشی از بی‌توجهی، بلکه ناشی از فقدان امکان متعارف دسترسی یا اعتماد موجه به اطلاع‌رسانی رسمی بوده است.

بند سوم: جایگاه «خطای حقوقی» در نظریه تقصیر و سرزنش‌پذیری

در نظریه‌های جدید مسئولیت کیفری، مسئولیت زمانی موجه است که رفتار منتسب به فاعل، قابل سرزنش باشد. سرزنش‌پذیری معمولاً مستلزم آن است که فاعل توانایی فهم نادرستی عمل و امکان انتخاب رفتار قانونی را داشته باشد. بر همین اساس، «خطای حقوقی» یا همان اشتباه در ممنوعیت، در برخی نظام‌ها به عنوان «مانع تقصیر» یا «مانع تقصیرپذیری» مطرح می‌شود؛ اگر



فرد به نحو غیرقابل اجتناب نمی دانسته عمل ممنوع است، نمی توان او را کاملاً مقصر دانست. این نگاه به ویژه در جرایم مقرراتی و جرایمی که رفتار ممنوع، ذاتاً ضداخلاقی یا خطرناک به نظر نمی رسد، برجسته می شود. در چنین جرایمی، انتظار آگاهی عمومی از ممنوعیت همیشه معقول نیست و اگر قانونگذار یا نهادهای عمومی در اطلاع رسانی کوتاهی کرده باشند، مجازات می تواند با عدالت سازگار نباشد. نمونه هایی از این رویکرد در برخی نظام ها دیده می شود که «جهل غیرقابل اجتناب» را به عنوان عامل رفع یا کاهش مسئولیت می پذیرند. در آلمان، نهاد «اشتباه در ممنوعیت» با معیار اجتناب پذیری، و در فرانسه «اشتباه غیرقابل اجتناب در حق» به عنوان سبب عدم مسئولیت کیفری پذیرفته شده است.

بخش دوم: بیان مسئله و اهمیت پژوهش

بند اول: صورت بندی مسئله اصلی

مسئله اصلی این پژوهش آن است که در حقوق کیفری ایران، جهل به قانون در چه حدودی می تواند بر مسئولیت کیفری اثر بگذارد و معیار تشخیص استثنای ماده ۱۵۵ چیست. ماده ۱۵۵ مقرر می کند جهل به حکم مانع مجازات نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای مرتکب ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود، و تبصره آن نیز جهل به نوع یا میزان مجازات را بی اثر می داند. این متن به ظاهر روشن است، اما در مقام اجرا پرسش های دشوار ایجاد می کند. «عادتاً ممکن نبودن تحصیل علم» دقیقاً چه معیارهایی دارد. آیا صرف بی سوادی، دوری از شهر، یا پیچیدگی متن قانونی کافی است. «عذر شرعی بودن جهل» در حقوق موضوعه چگونه احراز می شود و نسبت آن با نهادهای فقهی مانند حدیث رفع یا قاعده



درء چیست. همچنین، مرز میان «قاصر» و «مقصر» چگونه تعیین می‌شود تا هم از سوءاستفاده جلوگیری شود و هم افراد واقعاً ناتوان از دسترسی به قانون، بی‌دلیل مجازات نشوند.

بند دوم: ضرورت و نوآوری پژوهش

اهمیت پژوهش از چند جهت است. نخست، ماده ۱۵۵ در عمل می‌تواند سرنوشت پرونده‌های کیفری را تغییر دهد و به همین دلیل تفسیر دقیق آن برای قضات و وکلا ضروری است. دوم، سیاست جنایی ایران در سال‌های اخیر به سمت عقلانیت کیفری و کنترل جمعیت کیفری حرکت کرده و پذیرش استثناهای معقول در مسئولیت، می‌تواند در کاهش محکومیت‌های غیرمنصفانه اثرگذار باشد. سوم، تحولات فناوری و توسعه جرایم نوپدید، مانند جرایم رایانه‌ای یا مقررات تخصصی، مسئله دسترسی و فهم قانون را حساس‌تر کرده است.

بخش سوم: مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

بند اول: رویکردهای فقهی و بحث قاصر و مقصر

در فقه امامیه، بحث از «عقاب جاهل» و نسبت آن با تکلیف و مسئولیت، سابقه‌ای عمیق دارد. بسیاری از تحلیل‌ها میان جاهل قاصر و جاهل مقصر تفکیک می‌کنند و بر این باورند که اگر جهل ناشی از فقدان امکان متعارف تعلم باشد، عقاب ناعادلانه است، هرچند ممکن است ترک تعلم در شرایط امکان، خود قابل نکوهش باشد. ادبیات فقهی و فقه جزایی در این حوزه با استفاده از قواعدی مانند «رفع» و نیز ملاحظات مربوط به حدود و تعزیرات، به تفصیل به این تمایز پرداخته است. در پژوهش‌های معاصر نیز بررسی «رافعت جهل به حکم نسبت به مسئولیت کیفری» در فقه امامیه مورد توجه قرار گرفته است.



بند دوم: ادبیات حقوقی ایران و تمرکز بر ماده ۱۵۵

در حقوق کیفری ایران، با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، توجه پژوهشگران به ماده ۱۵۵ افزایش یافت. برخی مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که قانونگذار قاعده کلی را حفظ کرده اما با دو استثنا، نوعی عدول محدود را پذیرفته است و همین امر، محدوده و معیارهای اجرای ماده را محل بحث کرده است.

گروهی از نویسندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که دو استثنای ماده ۱۵۵، باید مضیق تفسیر شود تا امنیت حقوقی و کارایی قاعده کلی از بین نرود. گروهی دیگر، با تکیه بر مبانی فقهی و نظریه تقصیر، خواستار تفسیر موسع‌تر به نفع جاهل قاصر شده‌اند و معتقدند معیار «امکان عادتاً» باید واقع‌گرایانه و مبتنی بر شرایط اجتماعی و فردی تفسیر شود.

همچنین برخی پژوهش‌ها در قالب مطالعه تطبیقی میان جهل حکمی و موضوعی در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، تلاش کرده‌اند جایگاه ماده ۱۵۵ را در کنار مقررات مربوط به علم و قصد و شرایط مسئولیت کیفری روشن کنند و ابهامات تفسیری را نشان دهند.

بند سوم: ادبیات تطبیقی و الگوهای خارجی

در ادبیات تطبیقی، دو الگوی مهم دیده می‌شود. الگوی نخست، سخت‌گیرانه است و جهل به قانون را تقریباً هیچ‌گاه نمی‌پذیرد مگر در مواردی بسیار خاص. الگوی دوم، مبتنی بر معیار «اجتناب‌پذیری» است؛ یعنی اگر فرد با کوشش متعارف می‌توانسته از ممنوعیت آگاه شود، عذر پذیرفته نیست، اما اگر جهل غیرقابل اجتناب باشد، مسئولیت منتفی یا کاهش می‌یابد. نمونه بارز الگوی دوم در حقوق آلمان دیده می‌شود که اشتباه در ممنوعیت را با معیار



اجتناب‌پذیری می‌سنگد. در فرانسه نیز «اشتباه غیرقابل اجتناب در حق» به عنوان سبب عدم مسئولیت کیفری پیش‌بینی شده است. در ایالات متحده، قاعده کلی همچنان سخت‌گیرانه است، اما در جرایم مبتنی بر تکلیف ثبت یا مواردی که فقدان اطلاع‌رسانی با دادرسی منصفانه تعارض پیدا می‌کند، گاه استثناهایی پذیرفته شده است. نمونه مشهور آن پرونده Lambert v. California است که در آن موضوع «رفتار کاملاً منفعلانه» و فقدان آگاهی یا احتمال آگاهی از تکلیف ثبت، در تحلیل مسئولیت اهمیت یافت.

بخش چهارم: روش‌شناسی پژوهش

بند اول: نوع و روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی و با رویکرد توصیفی تحلیلی است. در بخش توصیفی، مفاهیم، دسته‌بندی‌ها و متن مقررات مرتبط در حقوق ایران و برخی نظام‌های منتخب ارائه می‌شود. در بخش تحلیلی، مبانی نظری قاعده و استثنای آن، معیارهای اجرای ماده ۱۵۵ و پیامدهای سیاست جنایی آن بررسی می‌شود.

بند دوم: روش گردآوری داده‌ها و منابع

گردآوری داده‌ها مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است. منابع شامل قوانین و اسناد رسمی، مقالات علمی پژوهشی فارسی، آثار فقهی و حقوقی معتبر، و نیز برخی منابع انگلیسی و اسناد حقوق تطبیقی است. در تحلیل تطبیقی، از نمونه‌هایی چون مقررات آلمان و فرانسه و برخی رویه‌های قضایی ایالات متحده استفاده می‌شود تا معیارهای ممکن برای تنظیم استثنای روشن شود.



بخش پنجم: تحلیل حقوقی جهل به قانون در حقوق کیفری ایران

بند اول: جایگاه ماده ۱۵۵ در ساختار قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در کنار تعریف جرم در ماده ۲، چارچوبی نسبتاً منسجم برای شرایط و موانع مسئولیت کیفری ارائه می دهد. ماده ۱۵۵ در فصل «موانع مسئولیت کیفری» قرار دارد و ناظر به جهل حکمی است. متن ماده، قاعده کلی را بیان می کند و دو استثنا را در قالب «مگر اینکه» می پذیرد و سپس در تبصره، بی اثری جهل به نوع یا میزان مجازات را اعلام می کند. اهمیت این جایگاه از آن روست که قانونگذار، جهل حکمی را نه به عنوان فقدان عنصر معنوی جرم، بلکه به عنوان مانع مسئولیت تحلیل کرده است. نتیجه عملی آن است که در نگاه قانونگذار، جرم از حیث عناصر مادی و قانونی تحقق می یابد، اما در مرحله نسبت دادن مسئولیت و امکان سرزنش، ممکن است جهل در شرایط خاص مانع اعمال مجازات شود.

بند دوم: معیار تحصیل علم عادتاً ممکن نباشد

یکی از مهم ترین ابهامات ماده ۱۵۵، مفهوم «عادتاً ممکن نبودن تحصیل علم» است. این معیار به جای تکیه صرف بر وضعیت ذهنی فرد، به یک سنجه عرفی نزدیک می شود: آیا در شرایط متعارف، فرد می توانسته به حکم دسترسی پیدا کند و از آن آگاه شود. در اینجا چند مؤلفه قابل تصور است. مؤلفه نخست، دسترسی واقعی به منابع رسمی قانون است؛ یعنی آیا قانون به نحو مناسب منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است. اگر مقرره ای به شکل مبهم، پراکنده یا بدون اطلاع رسانی مؤثر وضع شود، انتظار آگاهی عمومی کاهش می یابد. مؤلفه دوم، پیچیدگی و تخصصی بودن حکم است. برخی احکام کیفری در پیوند با مقررات اداری یا فنی شکل می گیرند و فهم آنها برای شهروند عادی دشوار است. مؤلفه سوم، وضعیت خاص مرتکب و



محیط زندگی او است؛ مانند محرومیت شدید اطلاعاتی، موانع زبانی، یا شرایط استثنایی که دسترسی را ناممکن می‌کند. با این حال، اگر معیار «امکان عادتاً» بیش از حد فردی‌سازی شود، خطر سلب کارایی قاعده کلی پدید می‌آید. بنابراین تفسیر منطقی آن این است که دادگاه ابتدا امکان عمومی دسترسی و آگاهی را بررسی کند و تنها در صورتی که موانع جدی و غیرمتعارف وجود داشته باشد، به اوضاع فردی استناد کند. به بیان دیگر، «عادتاً» باید سپری در برابر تبدیل شدن ماده ۱۵۵ به راه فرار آسان باشد، و در عین حال دریچه‌ای برای موارد واقعاً غیرمنصفانه باقی بگذارد.

بند سوم: معیار جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود

استثنای دوم ماده ۱۵۵ پیوند آشکاری با مبانی فقهی دارد. قانونگذار با این عبارت، به این امکان اشاره می‌کند که در برخی موارد، از منظر شرعی، جهل نسبت به حکم می‌تواند عذر محسوب شود و بنابراین مجازات منتفی گردد. این معیار به ویژه در جرایمی که ریشه شرعی پررنگ دارند یا در قلمرو حدود و برخی احکام خاص قرار می‌گیرند، اهمیت بیشتری می‌یابد. در تحلیل عملی، این معیار با چند چالش مواجه است. نخست، نحوه احراز «عذر شرعی» در دادگاه است: آیا باید به نظر مشهور فقها رجوع شود، یا دادگاه بر مبنای فتاوی معتبر و ادله فقهی تصمیم می‌گیرد، یا قانونگذار باید مصادیق را روشن‌تر بیان کند. دوم، نسبت این معیار با اصل برابری و وحدت رویه است: اگر دادگاه‌ها در تشخیص عذر شرعی معیارهای متفاوتی داشته باشند، عدالت و پیش‌بینی‌پذیری آسیب می‌بیند. پژوهش‌های فقهی معاصر که به رافعت جهل به حکم در فقه امامیه پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که بحث در این حوزه، غالباً بر تمایز قاصر و مقصر و بر امکان تعلم و فحص استوار است. بنابراین می‌توان گفت «عذر شرعی» در



ماده ۱۵۵ نیز به طور طبیعی باید به همان سمت تفسیر شود: یعنی جهل زمانی عذر است که فرد در وضعیت قاصر باشد و امکان متعارف برای آگاهی یابی نداشته باشد، نه آنکه صرف ادعا کافی باشد.

بند چهارم: تبصره ماده ۱۵۵ و بی اثری جهل به نوع یا میزان مجازات

تبصره ماده ۱۵۵ اعلام می کند جهل به نوع یا میزان مجازات مانع مجازات نیست. این رویکرد با منطق حقوق کیفری سازگار است؛ زیرا آگاهی از «ممنوعیت» با آگاهی از «شدت کیفر» تفاوت دارد. آنچه به طور معمول برای پیشگیری و سرزنش پذیری لازم است، دانستن ممنوع بودن رفتار است، نه دانستن اینکه مجازات دقیقاً حبس است یا جزای نقدی، و یا میزان آن چقدر است. اگر جهل به مجازات پذیرفته شود، تقریباً در اکثر پرونده ها قابل ادعا خواهد بود و نظام کیفری را دچار اختلال می کند.

بخش ششم: تحلیل تطبیقی و درس های قابل استفاده برای حقوق ایران

بند اول: الگوی آلمان و معیار اجتناب پذیری

در حقوق آلمان، اشتباه در ممنوعیت با معیار اجتناب پذیری ارزیابی می شود. اگر فاعل هنگام ارتکاب عمل فاقد درک نادرستی باشد و این اشتباه قابل اجتناب نباشد، بدون تقصیر تلقی می شود و اگر قابل اجتناب باشد، مجازات می تواند کاهش یابد. ویژگی مهم این الگو آن است که به جای پذیرش مطلق یا رد مطلق، یک طیف ایجاد می کند و دادگاه را موظف می سازد بررسی کند آیا فرد با کوشش متعارف می توانسته ممنوعیت را درک کند یا خیر. این ساختار، از یک سو مانع سوءاستفاده می شود و از سوی دیگر در موارد خاص، عدالت را تأمین می کند.



برای حقوق ایران، این الگو از این جهت مهم است که استثنای «تحصیل علم عادتاً ممکن نباشد» می‌تواند با مفهوم «غیرقابل اجتناب بودن اشتباه» هم‌افق شود و تفسیر دقیق‌تری پیدا کند.

بند دوم: الگوی فرانسه و اشتباه غیرقابل اجتناب در حق

قانون کیفری فرانسه مقرر می‌کند کسی که ثابت کند به علت اشتباه در حق که قادر به اجتناب از آن نبوده، تصور می‌کرده عمل او مشروع است، مسئولیت کیفری ندارد. نکته کلیدی در این الگو، بار اثبات بر عهده متهم و تأکید بر «عدم امکان اجتناب» است. این دو مؤلفه می‌تواند در حقوق ایران نیز راهگشا باشد: یعنی در اعمال ماده ۱۵۵، اصل بر آگاهی از حکم باشد، اما متهم بتواند با ارائه قرائن معتبر، غیرمتعارف بودن امکان آگاهی را ثابت کند.

بند سوم: نمونه‌های آمریکایی و محدودیت استثناها

در ایالات متحده، قاعده کلی همچنان عدم پذیرش جهل به قانون است، اما در موارد محدودی، به ویژه جایی که تکلیف قانونی ماهیتاً منفعلانه است و قانونگذار یا نهاد عمومی اطلاع‌رسانی کافی نکرده، دادگاه‌ها گاه به ملاحظات دادرسی منصفانه نزدیک می‌شوند. در پرونده *Lambert v. California*، دیوان عالی به مسئله فقدان آگاهی و نیز نبود احتمال آگاهی از تکلیف ثبت اشاره کرد و آن را در تعارض با انصاف دادرسی دانست. این نمونه نشان می‌دهد حتی نظام‌های سخت‌گیر نیز در برابر مواردی که شهروند عملاً «هشدار» معقولی دریافت نکرده، ناچار به انعطاف می‌شوند. این درس برای حقوق ایران اهمیت دارد، زیرا در برخی حوزه‌های مقرراتی جدید، بدون اطلاع‌رسانی مناسب، انتظار آگاهی عمومی ممکن است غیرواقع‌گرایانه باشد.



بخش هفتم: آثار عملی جهل به قانون در سیاست جنایی و دادرسی کیفری

بند اول: اثر جهل به قانون بر عنصر روانی و مسئولیت کیفری

در تحلیل کلاسیک، جهل به قانون معمولاً عنصر روانی جرم را از بین نمی برد؛ زیرا سوءنیت به معنای اراده انجام رفتار و علم به موضوعات مادی است و دانستن «عنوان کیفری» شرط نیست. با این حال، در جرایمی که قانون عنصر روانی خاصی مانند «علم به غیرقانونی بودن» یا «قصد نقض حکم» را شرط می کند، جهل می تواند مستقیماً عنصر روانی را مخدوش کند. در این وضعیت ها، بحث از ماده ۱۵۵ ممکن است در کنار تحلیل عناصر جرم قرار گیرد و دادگاه باید تشخیص دهد آیا قانونگذار علم خاصی را شرط کرده یا خیر.

بند دوم: بار اثبات و معیارهای اقناع دادگاه

مسئله بار اثبات، در پرونده های مربوط به جهل حکمی بسیار تعیین کننده است. اگر اصل بر آگاهی باشد، کسی که مدعی جهل است باید دست کم قرائن قوی برای غیرمعارف بودن امکان آگاهی ارائه کند. قرائنی مانند دریافت اطلاعات اشتباه از مرجع رسمی، تعارض شدید و غیرقابل رفع قوانین، تغییر ناگهانی مقررات بدون اطلاع رسانی، یا شرایط فردی بسیار خاص که دسترسی را ناممکن کرده است، می تواند در ارزیابی دادگاه مؤثر باشد. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که ماده ۱۵۵ به ابزار دفاعی کلیشه ای تبدیل شود و اعتماد عمومی به عدالت کیفری را کاهش دهد.



بند سوم: تأثیر بر پیشگیری عمومی و اعتماد اجتماعی

پذیرش محدود و ضابطه‌مند جهل به قانون می‌تواند اثر دوگانه داشته باشد. اگر ضابطه‌مند باشد، مشروعیت نظام را افزایش می‌دهد، زیرا مردم می‌بینند عدالت کیفری نسبت به موارد غیرمنصفانه حساس است. اما اگر بی‌ضابطه باشد، هم پیشگیری عمومی را تضعیف می‌کند و هم احساس تبعیض ایجاد می‌کند؛ زیرا برخی متهمان با دفاع‌های پیچیده‌تر می‌توانند از استثنای بهره‌مند شوند و برخی دیگر نه. بنابراین کلید اثر مثبت، شفاف‌سازی معیارها و ایجاد وحدت رویه است.

بخش هشتم: چالش‌ها و ابهامات تفسیری ماده ۱۵۵ در حقوق ایران

بند اول: ابهام مفهومی در عادتاً ممکن نبودن

واژه «عادتاً» همزمان مزیت و چالش است. مزیت آن این است که از فردی‌سازی افراطی جلوگیری می‌کند و معیار عرفی ارائه می‌دهد. چالش آن این است که عرف در پرونده‌های مختلف می‌تواند متفاوت تلقی شود، و در نبود شاخص‌های عینی، تفسیرها پراکنده می‌شود. برای مثال، آیا پیچیدگی قانون به تنهایی کافی است یا باید همراه با تلاش متعارف برای آگاهی‌یابی باشد. آیا دسترسی اینترنتی در عصر حاضر معیار «امکان عادتاً» را تغییر داده است. این پرسش‌ها نشان می‌دهد ماده ۱۵۵ بدون تدوین شاخص‌های اجرایی، ظرفیت اختلاف فراوان دارد.



بند دوم: پیوند مبهم «عذر شرعی» با حقوق موضوعه

عبارت «شرعاً عذر محسوب شود» در حقوق موضوعه، نیازمند سازوکار روشن است. اگر قرار باشد دادگاه ها به منابع فقهی رجوع کنند، باید روشن باشد کدام منابع و با چه ضابطه ای. اگر قرار باشد رویه قضایی این مفهوم را بسازد، خطر پراکندگی و عدم پیش بینی پذیری وجود دارد. در نتیجه، برای تحقق عدالت، یا باید از طریق تفسیر قضایی و رأی وحدت رویه، چارچوبی نسبتاً پایدار ایجاد شود یا قانونگذار با اصلاحات و آیین نامه های روشن کننده، مصادیق کلی را مشخص تر کند.

بند سوم: نسبت ماده ۱۵۵ با اصل قانونی بودن و اطلاع رسانی عمومی

اصل قانونی بودن، فقط به معنای وجود قانون نیست، بلکه با «قابل دسترس بودن» و «قابل فهم بودن» نیز پیوند دارد. اگر قانون در عمل برای شهروند قابل دسترس نباشد، اتکای مطلق به قاعده «جهل عذر نیست» می تواند با عدالت تعارض پیدا کند. از این منظر، ماده ۱۵۵ را می توان نوعی مکانیسم اصلاحی دانست که کمبودهای اطلاع رسانی یا پیچیدگی غیرمتعارف را تا حدی جبران می کند. متن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که هم تعاریف کلی جرم را ارائه می کند و هم در ماده ۱۵۵ استثنا می پذیرد، نشان می دهد قانونگذار این تعارض را دیده و کوشیده است راه حلی میانه ارائه کند.



بخش نهم: پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی

۱- تدوین معیارهای عینی برای احراز عدم امکان عادتاً

پیشنهاد نخست، تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های راهنما برای دادگاه‌هاست؛ نه به صورت مصادیق بسته، بلکه به صورت معیارهای عینی. معیارهایی مانند اثبات تلاش متعارف برای آگاهی‌یابی، میزان پیچیدگی و پراکندگی مقرر، وجود یا فقدان اطلاع‌رسانی مؤثر، اتکای موجه به پاسخ مرجع رسمی، و وضعیت استثنایی دسترسی. این معیارها می‌تواند در قالب دستورالعمل قضایی یا رویه‌سازی توسط محاکم عالی شکل گیرد و از پراکندگی جلوگیری کند.

۲- تقویت انتشار و آموزش عمومی قوانین کیفری

هر اندازه کیفیت اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی بهتر شود، نیاز به توسل به استثنای ماده ۱۵۵ کاهش می‌یابد. ایجاد پایگاه‌های رسمی قابل جست‌وجو، خلاصه‌سازی مقررات کیفری به زبان قابل فهم، و الزام نهادهای اداری به اطلاع‌رسانی درباره مقرراتی که نقض آنها ضمانت اجرای کیفری دارد، می‌تواند مصادیق جهل غیرقابل اجتناب را کاهش دهد و همزمان مشروعیت مجازات را افزایش دهد.

۳- تفکیک دقیق‌تر جرایم مقرراتی از جرایم سنتی

در جرایم سنتی که غالباً با هنجارهای اخلاقی عمومی همسو هستند، مانند خشونت علیه اشخاص یا سرقت، ادعای جهل به ممنوعیت معمولاً ناموجه است. اما در جرایم مقرراتی و تخصصی، به ویژه جرایمی که «صرف نقض مقرر» را جرم‌انگاری می‌کنند، انتظار آگاهی



عمومی کمتر است. پیشنهاد می شود در سیاست جنایی، برای جرایم مقرراتی، سازوکارهای پیشگیرانه و اطلاع رسانی خاص تقویت شود و در صورت فقدان آن، دادگاه ها در ارزیابی امکان آگاهی، حساس تر باشند.

نتیجه گیری

جهل به قانون در امور کیفری، مسئله ای صرفاً نظری نیست، بلکه به عدالت روزمره دادگاه ها و به مشروعیت اجتماعی مجازات گره خورده است. قاعده «جهل به قانون عذر نیست» برای حفظ کارایی نظام کیفری ضروری است، اما مطلق گرایی در آن می تواند به مجازات های غیرمنصفانه بینجامد؛ به ویژه در شرایطی که قوانین پیچیده تر شده اند و برخی ممنوعیت ها ماهیتاً برای شهروند عادی بدیهی نیستند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با پیش بینی ماده ۱۵۵، ضمن حفظ قاعده کلی، دو استثنا را پذیرفته است: عدم امکان عادتاً برای تحصیل علم و عذر شرعی بودن جهل. این رویکرد، ظرفیت آن را دارد که میان کارآمدی و انصاف تعادل برقرار کند، اما به دلیل ابهام مفاهیم، خطر تشتت تفسیری و سوءاستفاده نیز وجود دارد. تجربه نظام های دیگر نشان می دهد معیار «اجتناب پذیری» و تأکید بر بار اثبات و قرائن عینی، می تواند به اجرای منصفانه و قابل کنترل کمک کند. بر این اساس، نتیجه پژوهش آن است که اجرای صحیح ماده ۱۵۵ مستلزم تفسیر مضیق اما واقع گرایانه است: مضیق از آن جهت که اصل بر آگاهی و مسئولیت باقی بماند، و واقع گرایانه از آن جهت که موارد غیرقابل دسترس بودن قانون یا اتکای موجه به اطلاعات رسمی، به عنوان مانع سرزنش پذیری جدی گرفته شود. در نهایت، اصلاحات نهادی در اطلاع رسانی، آموزش عمومی و



تدوین معیارهای عینی برای دادگاه‌ها، بهترین راه برای کاهش تعارض میان ضرورت اجرای قانون و عدالت کیفری است.



منابع و مآخذ

قرآن کریم، نهج البلاغه و بعد

الف) منابع عربی

۱. ابن منظور الافریقى مصرى ، محمد بن مکرم ، لسان العرب ، چاپ اول ، انتشارات دار الاحیاء التراث العربی ، [بی جا] ، ۱۹۸۸ م.
۲. همو ، حاشیه بر رسائل ، [بی جا] ، انتشارات ارشاد الاسلامی ، [بی جا] ، [بی تا] .
۳. امام خمینی (ره) ، روح ا... ، تهذیب الاصول ، [مقرر شیخ جعفر سبحانی] ، [بی جا] ، انتشارات موسسه نشر الاسلامی ، قم ، ۱۴۰۵ ق
۴. همو ، کتاب البیع ، [بی جا] ، انتشارات وزارت ارشاد الاسلامی ، تهران ، ۱۳۶۵ ش
۵. آمدی ، علی بن محمد ، الاحکام فی اصول الاحکام ، چاپ اول ، انتشارات دارالکتب العلمیه ، بیروت ، [بی تا]
۶. انصاری ، مرتضی ، فرائد الاصول ، چاپ دوم ، انتشارات موسسه نشر اسلامى ، قم ، ۱۴۱۷ ق
۷. بحر العلوم ، محمد ، عیوب الاراده فی الشریعه الاسلامیه ، [بی جا] ، انتشارات دارالزهراء ، بیروت ، ۱۹۸۰ م
۸. برازی ، محمد حسن ، محاضرات فی القانون الرومانیه ، [بی جا] ، انتشارات الجامعه السوریه ، [بی جا] ، ۱۹۳۵ م
۹. بروجردی ، محمد تقی ، نهایه الافکار [تقریرات مرحوم آقا ضیاء اراکی] ، [بی جا] ، انتشارات موسسه نشر اسلامى ، [بی جا] ، ۱۴۰۵ ق
۱۰. حرعاملی ، محمد بن حسن ، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ، محقق : موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث ، [بی جا] ، انتشارات موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث ، قم ، [بی تا]



۱۱. سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین، الاشباه و النظائر فی القواعد و الفروع فقه الشافعیه، [بی جا]، [بی تا]، مکه، ۱۲۳۱ ق
۱۲. شهید ثانی، جغی عاملی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، چاپ هفتم، انتشارات مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، [بی جا]، ۱۳۷۲ ش
۱۳. محقق خراسانی، آقا حسین بن جمال الدین محمد، مشارق الشموس فی شرح الدروس، [بی جا]، انتشارات موسسه آل البيت، قم، [بی تا]
۱۴. همدانی، آقا رضا، مصباح الفقهیه، [بی جا]، چاپ سنگی، [بی تا]، تهران، ۱۳۵۳ ق

ب) منابع فارسی

۱. آشوری، محمد، آیتن دادرسی کیفری، [بی جا]، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳ ش
۲. بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۰ ش
۳. برقی، سید یحیی، چکیده اندیشه ها، [بی جا]، انتشارات نمایشگاه و نشر کتاب، قم، ۱۳۶۷
۴. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در [اسلام و جمهوری اسلامی ایران]، [بی جا]، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۳ ش
۵. شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، [بی تا]
۶. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ هفتم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۵ ش
۷. شیرینی، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، [بی جا]، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، [بی جا]، ۱۳۷۲ ش
۸. صفایی، سید حسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، انتشارات میزان، [بی جا]، ۱۳۷۵ ش
۹. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ هشتم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۶



۱۰. لطفی، اسد...، موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۷۹ ش
۱۱. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، چاپ اول، انتشارات مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ش
۱۲. معین، محمد، فرهنگ معین، [بی چا]، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش